

## The Position of Women's Rights in Fateme Naut's Poems

(Case Study: Sharafati Mohtt al Asafir - Divan)

Article Type: Research

Azar Samadi taghanaki<sup>1</sup>, Majed Najarian<sup>\*2</sup>, Soheila Parestgari<sup>3</sup>,  
Reza Suleimanzadeh Najafi<sup>4</sup>

1. Ph.D student of Arabic Language and Literature, Islamic Azad University, Faculty of Literature, Iran, Falavarjan.
2. Assistant Professor of Arabic Language and Literature, Islamic Azad University, Faculty of Literature, Iran, Falavarjan.
3. Assistant Professor of Arabic Language and Literature, Islamic Azad University, Faculty of Literature, Iran, Falavarjan.
4. Associate Professor of Arabic Language and Literature, University of Esfahan, Faculty of Foreign Languages, Iran, Esfahan.

### Abstract

Women's rights are an important issue in today's world, as the Declaration of Human Rights states that all human beings, regardless of gender, have the same individual and social rights, and no one can deprive another of this right. According to the Universal Declaration of Human Rights and the Convention on the Rights of Women, women have not yet achieved their full rights in Arab societies. In the process, Arab writers and poets, aware of the false traditions and the rule of the spirit of patriarchy and the disregard for women's rights, wrote about this issue in their works, defended women's rights and called for women's access. They got their rights. Among these poets, Fatemeh Naout, an Egyptian poet, has a prominent role. In most of his poems, especially in the divan of "Sharfti Mutt al-Asafir", he has dealt with the subject of women in the language of protest and symbolism. The present research has been done by descriptive-analytical method with the aim of receiving the poet's poems about women's rights and analyzing his poems in the field of women's rights components. The findings indicate that the poet refers to the rights of life, comfort, and marriage, and introduces women with the symbols of "poison", "farash" and "ward".

**Keywords:** Arabic poetry, Fatemeh Naot, Sharafati Mohtt al-Asafir, women's rights, components of women's rights.

---

\*Corresponding Author

najjarian@iaufala.ac.ir

## جایگاه حقوق زن در سروده‌های فاطمه ناعوت؛

### مطالعه موردی: دیوان "شرفی محط العصافیر"

نوع مقاله: پژوهشی

- آذر صمدی طاقانکی<sup>۱</sup>، ماجد نجاریان<sup>۲\*</sup>، سهیلا پرستگاری<sup>۳</sup>، رضا سلیمان زاده نجفی<sup>۴</sup>
- <sup>۱</sup> دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی، دانشگاه آزاد اسلامی، دانشکده ادبیات، ایران، فلاورجان.
- <sup>۲</sup> استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه آزاد اسلامی، دانشکده ادبیات، ایران، فلاورجان.
- <sup>۳</sup> استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه آزاد اسلامی، دانشکده ادبیات، ایران، فلاورجان.
- <sup>۴</sup> دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه اصفهان، دانشکده زبانهای خارجی، ایران، اصفهان.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۲۰

#### چکیده

در اعلامیه جهانی حقوق بشر در ارتباط با حقوق زن چنین آمده است که همه انسان‌ها بدون توجه به جنسیت دارای حقوق فردی و اجتماعی یکسانی هستند و هیچ کس نمی‌تواند این حق را از دیگری سلب کند. با توجه به اعلامیه جهانی حقوق بشر و کنوانسیون حقوق زنان هنوز در جوامع عربی، زن به حقوق کامل خود دست نیافته است. در این رهگذر نویسندگان و شاعران عرب با آگاهی از سنت‌های غلط و حکم‌فرمایی روح مردسالاری و نادیده گرفته شدن حقوق زنان دست به قلم شدند و این موضوع را در آثارشان به تصویر کشیدند و به دفاع از حقوق زنان پرداختند. از این شاعران، فاطمه ناعوت شاعر مصری در بیشتر سروده‌هایش به ویژه در دیوان "شرفی محط العصافیر" به موضوع زن با زبان اعتراض و نمادین پرداخته است. پژوهش حاضر به روش توصیفی \_ تحلیلی، با هدف دریافت سروده‌های شاعر درباره حقوق زن و تحلیل سروده‌هایش در زمینه مولفه‌های حقوق زن انجام گرفته است. یافته‌ها بیانگر آن است که شاعر به حقوق کرامت انسانی، آسایش و آرامش و همسرگزینی اشاره دارد و زن را با نمادهای "زهره"، "فراشته" و "ورده" معرفی می‌نماید.

**کلیدواژه‌ها:** شعر عربی، فاطمه ناعوت، شرفی محط العصافیر، حقوق زن، مؤلفه‌های حقوق زن.

## ۱. مقدمه

از مهمترین موضوعات دوره معاصر، زن و حقوق وی است که مورد توجه رشته‌های حقوق، جامعه‌شناسی و ادبیات است. پس از جنگ جهانی دوم کشورهای مختلف برای جلوگیری از جنگ و درگیری و پیامدهای ناگوار آن خواستار اعلامیه‌ای جهانی شدند که «مجمع عمومی ملل متحد اعلامیه حقوق بشر را در ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ با ۴۸ رأی موافق و ۸ رأی ممتنع و بدون هیچ رأی مخالفی تصویب کرد.» (جانسون، ۱۳۷۷ش: ۲۶)، بنابراین حقوق بشر در مفهوم امروزی سابقه دیرینی ندارد و «حقوق بشر (humanrights) در اندیشه غرب سابقه کمی دارد. این اصطلاح بعد از جنگ جهانی دوم و تأسیس سازمان ملل در سال ۱۹۴۵ وارد ادبیات حقوقی و محاوره‌ای شد. این واژه جایگزین حقوق طبیعی و حقوق انسان گردید.» (ذوالقدر و محمدزاده، ۱۳۹۳ش: ۶۴)

با تصویب اعلامیه حقوق بشر و ملزم شدن همه کشورهای به اجرای آن، همه مفاد این اعلامیه به ویژه در زمینه حقوق زن عملاً اجرا نشد. کم‌کم نشانه‌های اعتراض به نابرابری حقوق زن و مرد و پایمال شدن حقوق زن، ابتدا در کشورهای غربی نمود یافت. این اعتراضات ادامه یافت تا در سازمان ملل، کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض ضد زنان «با یک مقدمه و ۳۰ ماده در ۱۸ دسامبر ۱۹۷۹ مورد پذیرش مجمع عمومی قرار گرفت و در ۳ دسامبر ۱۹۸۱ به اجرا درآمد.» (هادی، ۱۳۹۶ش: ۱۰۰) هدف این کنوانسیون برقراری تساوی کامل بین زنان و مردان و حذف کلیه تمایزات در همه عرصه‌ها بوده است. در ماده یک براین نکته تأکید دارد که «تبعیضاتی که متکی بر جنس باشد و مانع برقراری حقوق مساوی زنان و مردان گردد یا این تساوی را محدود نماید امری ناعادلانه و تخلفی آشکاره حریم و شأن و مقام انسانیت است.» (کنوانسیون حقوق زنان)

ویژگی بارز ادبیات معاصر توجه به مسائل و مشکلات جامعه و بیان اوضاع جامعه در هر دوره است. شاعر در جامعه زاده می‌شود، به رشد و بالندگی می‌رسد و اوضاع و دغدغه‌های جامعه را می‌بیند و زبان گویای مردم می‌شود، از دردها ورنج‌هایشان می‌سراید و از نابسامانی‌های جامعه انتقاد می‌کند. مسأله زن و حقوق وی در ادبیات معاصر نمود ویژه‌ای دارد. شاعران با هر

زبان و ملیتی از زن و حقوق پایمال شده وی می سرایند و اعتراض خود را به گوش همگان می-رسانند.

زنان در جامعه عربی به دلیل نظام مردسالاری و آداب و رسوم غلط حاکم بر آن، از همان ابتدا از حقوق خود محروم بودند تا این که با حمله فرانسه به مصر و گشوده شدن درهای تمدن و فرهنگ اروپا به روی مردم عرب و ارتباط با اروپاییان دریافتند که در جامعه عرب تا چه میزان به زن ستم روا شده و حقوق وی نادیده گرفته شده است. روشنفکرانی چون طهطاوی، جمال-الدین اسدآبادی و محمد عبده در زمینه حق آموزش زنان گام‌های موثری برداشتند. قاسم امین با نگاشتن کتاب «تحریر المرأة» به حمایت از زن و حقوق وی پرداخت. پس از وی شاعرانی چون حافظ ابراهیم، محمد عبدالصبور و... در اشعارشان به دفاع از حقوق زن به ویژه حق آموزش و حق همسرگزینی پرداختند. (نیازی و جهانگیری، ۱۳۸۶ش: ۵۶) زنان شاعر نیز از این قافله عقب نماندند و شاعرانی چون می زیاده، ملک حنفی ناصیف، نازک الملائکه و غاده السمان در آثار خود به دفاع از حقوق زنان پرداختند.

فاطمه ناعوت از شاعران برجسته مصری در بیشتر سروده‌های خود از زن، دردها و حقوق وی سخن گفته است و بیشتر سروده‌هایش در دیوان «شرفتی محطّ العصافیر» به زن اختصاص دارد و به دفاع از حقوق زن پرداخته است.

پژوهش حاضر به دنبال پاسخگویی به سوالات زیر است:

۱. مهمترین مؤلفه‌های حقوق زن در دیوان «شرفتی محطّ العصافیر» کدامند؟
۲. فاطمه ناعوت در این دیوان از چه نمادهایی، برای بیان حقوق زن استفاده کرده است؟
۳. کدام یک از مولفه‌های حقوق زن از بسامد بالایی برخوردار است.

#### ۱-۱. پیشینه پژوهش

با بررسی منابع موجود در مورد حقوق زن در سروده‌های فاطمه ناعوت پژوهشی مستقل یافت نشد، اما پژوهش‌های مرتبط با این شاعر به صورت پایان نامه و مقاله نگاشته شده است: -رحمان اکبر زاده (۱۳۹۴) پایان‌نامه‌ای با عنوان «شرح احوال و بررسی مضامین اجتماعی در دو دیوان فاطمه ناعوت «نقرة إصبع، اسمی لیس صعباً» نگاشته است. این پژوهش در بررسی

مضامین اجتماعی سروده‌های شاعر به مضامین چون، خفقان، آزادی، درد ورنج‌ها پرداخته است و به موضوع زن و حقوق وی اشاره نموده است.

- پایان‌نامه دیگری با عنوان «تحلیل ساختار اسلوب و مضامین شعر فاطمه ناعوت» (۱۳۹۶) نگاشته شده است که امیر فرهنگ دوست، نگارنده این پژوهش در بررسی مضامین شعری به رمز و اسطوره‌های به‌کار رفته در سروده‌های شاعر و مضامین اجتماعی - سیاسی پرداخته است و از زن و حقوق وی سخنی به میان نیاورده است.

- «تصویر زن در اسمی لبس صعباً» پایان‌نامه‌ای است که علی حیدری در سال ۱۳۹۷ نگاشته است. در این پایان‌نامه بیشتر به موضوع تنهایی زن و واژه‌های دال بر تنهایی و استقلال زن پرداخته است و به طور کلی بحث تنهایی زن از جنبه‌های گوناگون و استقلال زن را به طور کلی بررسی کرده است و به حقوق زن و مؤلفه‌های آن پرداخته است.

- حلمی سالم مقاله‌ای با عنوان «فاطمه ناعوت في ديوانين» در سال ۲۰۰۳م در مجله ادب و نقد شماره ۲۰۹ نگاشته است. در این پژوهش، ویژگی‌های شعری سروده‌های دو دیوان «نقرة إصبع» و «علي بُعد سنتيمتر واحد من الأرض» چون ذات و موضوع، وضوح و استواری و... بررسی شده است.

- «الزهرة والكفّ قراءة في ديوان فاطمة ناعوت» مقاله‌ای از توفیق مجدی احمد چاپ شده در مجله ادب و نقد در سال ۲۰۰۶م، شماره ۲۴۵، دیوان‌های مذکور را از نظر ادبیات زنانه و آمال و آرزوهای زنان بررسی کرده است و به مسأله حقوق زن پرداخته است.

- رزیکه بوشلیقه در مقاله «تداخل الأنواع في ديوان فوق كفّ امرأة» چاپ شده در مجله جیل الدراسات الأدبية والفكرية، سال ۲۰۱۷م، شماره ۳۲ به تداخل و ورود انواع نثر چون سرد، داستان و نمایشنامه در دیوان مذکور پرداخته است.

فرهاد رجبی وامیر فرهنگ دوست مقاله‌ای با عنوان «بررسی انواع عاطفه در دیوان «الأوغاد لا یسمعون الموسیقی» در دومین کنفرانس بین المللی مطالعات اجتماعی فرهنگی و پژوهش دینی سال ۱۳۹۶ ارائه دادند. در این پژوهش مسائلی به مانند نامیدی به زندگی صنعتی، ناکامی از گذشته و امید به آینده و... بررسی شده است و به موضوع زن و حقوق زن اشاره‌ای نشده است.

«کارکردهای سینمایی در شعر فاطمه ناعوت» مقاله دیگری از فرهاد رجبی وامیر فرهنگ دوست در سال ۱۳۹۶ چاپ شده در مجله لسان مبین شماره ۹ است. این پژوهش تطبیقی، کارکردهای صنعت سینما را در شعر شاعر بررسی کرده است.

علی حیدری و مریم جلیلیان و روح‌الله مهدیان طرهبه در مقاله «الوحدة فی اسمی لیس صعباً لفاطمة ناعوت» در مجله الكلية الإسلامية الجامعة شماره ۵۱ سال ۱۴۴۰ ق، به تنهایی به ویژه تنهایی زن در دنیای معاصر پرداخته‌اند و واژه‌هایی که بیانگر تنهایی زن در این دیوان است را بررسی کرده‌اند، که این تنهایی زن بیشتر در موضوع جدایی از مادر و غم درویی و عشق است با مسأله حقوق زن ارتباط ندارد.

«بازتاب تنهایی زن در جامعه مردسالار در شعر سیمین بهبهانی و فاطمه ناعوت» عنوان مقاله دیگری از علی حیدری و روح‌الله مهدیان طرهبه در مجله زن و فرهنگ سال ۱۳۹۹ ش است. نگارندگان در این پژوهش تنهایی زن را از بعد عاطفی و اجتماعی در سروده‌های دو بانوی شاعر از قبیل پوچی، خانه نشینی و سردرگمی بررسی کرده‌اند.

«خوانش‌پذیری شعر فاطمه ناعوت و محمدرضا شفیعی کدکنی بر اساس نظریه شعور ماده» مقاله‌ای از فرهاد رجبی وامیر فرهنگ دوست در سال ۱۴۰۰ در مجله کاوش نامه ادبیات تطبیقی، شماره ۴۶ است که اشعار بانوی شاعر مصری و شاعر ایرانی در زمینه شعور ماده بررسی کرده‌اند.

## ۱-۲. گذری بر زندگی و شعر فاطمه ناعوت

فاطمه ناعوت شاعر و مترجم برجسته مصری در ۱۸ سپتامبر ۱۹۶۴ در قاهره پایتخت مصر در خانواده فرهیخته و بادانش و ادب چشم به جهان گشود. پس از به پایان رساندن دوران متوسطه، تحصیلات خود را در رشته مهندسی معماری دانشگاه "عین الشمس" قاهره ادامه داد و در سال ۱۹۸۷ موفق به دریافت مدرک کارشناسی معماری شد. (سلامه، ۱۳۹۹ ش:۱)

ذوق ادبی و شعری وی از همان کودکی نمود یافت. وی در نشستی که در کتابخانه "حنین" پیرامون نقد و بررسی و تحلیل ششمین دفتر شعری وی "اسمی لیس صعبا" برگزار شد، این مسأله را چنین بازگو نمود: داستان "ایلیاد و اودیسه هومر" را بارها زیر تخته دور از چشم مادر خواندم، زیرا در آن زمان مادرم برای موفقیت هر چه بیشتر من در درس‌ها فقط اجازه خواندن کتاب‌های درسی را می‌داد و اجازه خواندن کتاب‌های غیر درسی را نداشتم.» (الکومی، ۱۳۹۸ش: ۲)

ناعوت با گوش دادن به داستان‌های پیامبر که پدرش برایش روایت می‌کرد به شعر علاقمند شد. خود در این باره می‌گوید: «در پنج سالگی پیش از آنکه بتوانم بنویسم، متوجه چیزی به نام شعر در این جهان شدم. پدرم داستان‌های پیامبران را برایم می‌خواند؛ که چگونه مسیح در گهواره زبان به سخن گشوده است و برای خشنود ساختن یهودیان با حجت و برهان و منطق با آن‌ها بحث و جدل می‌نمود. به دنبال این داستان‌ها به این باور رسیدم که جهانی متفاوتی دنیای ما را فراگرفته است، در آن لحظه آرزویم قدم نهادن در این دنیا شد و شعر را تنها راه ورود به آن یافتم، احساس کردم ذوق و قریحه شعری در من زاده شده است، پس از آن به دنبال هر خداداد و روایت سورثالی و متفاوتی دویدم و درباره آن به جستجو و کنکاش پرداختم.» (الجمال، ۱۳۹۸ش: ۲)

آثار فاطمه ناعوت به سه بخش شعر، ترجمه و نقد تقسیم می‌شود. در بخش شعر می‌توان به مجموعه‌های "نقرة إصبع"، "علی بعد سنتیتر واحد من الأرض"، "فوق الكف امرأة"، "هیکل الزهر"، "اسمی لیس صعبا"، "صانع الفرح"، "الأوغاد لا یسمعون الموسيقى" و آخرین مجموعه شعری وی "شرفتی محط العصفیر" اشاره نمود. در زمینه ترجمه می‌توان به آثاری چون "مشجوج بفأس"، "المشي بالقلوب"، "قتل الأرناب"، "أثر علی الحائط" و... اشاره کرد. در زمینه نقد آثاری چون "الكتابة بالطباشیر"، "الرسم بالطباشیر" و "المغنی والحکماء" را به رشته تحریر درآورده است.

## ۲. چارچوب نظری

## ۲-۱. حقوق زن

زن سالیان طولانی از حقوق خود محروم بود و به عنوان یک انسان وابسته و طفیلی به او نگریسته می‌شد. پس از جنگ جهانی دوم و تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر با وجود تأکید مفاد این اعلامیه بر برابری جنسیتی و برخورداری زن و مرد از حقوق یکسان، همچنان زن مورد خشونت و ستم و نادیده گرفته شدن حقوقش قرار می‌گرفت. زنان اروپا و آمریکا پس از دو قرن مبارزه و فعالیت خستگی‌ناپذیر در دفاع از حقوق انسانی زنان موفق شدند کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان را در ۱۸ دسامبر ۱۹۷۹ در مجمع عمومی سازمان ملل به تصویب رساندند. این جنبش در آغاز قرن نوزدهم با عنوان فمینیسم و با شعار تساوی حقوق زن و مرد در همه امور در اعتراض به مردسالاری حاکم بر اعلامیه حقوق بشر فرانسه به وجود آمد. این اعلامیه با بی‌اعتنایی آشکار به حقوق زنان، هیچ‌گونه حقی برای آنان در نظر نگرفته بود؛ در نتیجه گروهی از زنان در مخالف با این نابرابری، دست به اعتراض زده و خواهان حقوق برابر با مردان شدند. این جنبش در دفاع از حقوق زنان تأکید کرد که زن، یک انسان بالغ و کامل است و در زندگی زناشویی، از استقلال و حقوق انسانی برخوردار است، زن از نظر فکری انسانی آزاد و مستقل است، زنان باید در مسائل سیاسی شرکت کنند و از حقوق مساوی با مردان برخوردار باشند. بدین ترتیب کنوانسیون رفع تبعیض، رسمی‌ترین سند بین‌المللی در دفاع از حقوق زنان و آخرین نسخه‌ای است که از سوی افکار عمومی جهان برای رهایی زنان از تبعیض و نابرابری تجویز شده است. (دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، ۱۳۸۰ش: ۴۲-۴۵)

پیام اصلی کنوانسیون برابری کامل زن و مرد و از میان رفتن همه تبعیض‌های حقوقی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی است، به جز تمایزهای مثبت که به زنان حق ویژه‌ای به منظور ارتقای وضعیت آنان و دستیابی به وضعیتی برابر با مردان باشد. «عبارت تبعیض برضد زنان در این کنوانسیون، به هرگونه تمایز، محرومیت یا محدودیت بر اساس جنسیت که نتیجه یا هدف آن خدشه‌دار کردن یا لغو شناسی، بهره‌مندی یا اعمال حقوق بشر و آزادی‌های اساسی در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، مدنی یا هر زمینه دیگر توسط زنان، صرف نظر از وضعیت زناشویی ایشان و بر پایه تساوی میان زنان و مردان اطلاق می‌شود.» (کنوانسیون



رفع هرگونه تبعیض علیه زنان، ماده ۴) منظور این ماده «هرگونه قانون، تصمیم، رویه عملی، فرهنگی و سنت رایج که بر شناسایی و استفاده و اعمال حقوق مساوی زن با مرد در تمام زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که زن را به لحاظ زن بودن از این حقوق مساوی محروم کند، تبعیض محسوب می‌شود.» (مهرپور، ۱۳۸۴ش: ۱۱۲)

## ۲-۲. حقوق زن در شعر معاصر عربی

زن در کشورهای عربی، تا نخستین دهه‌های قرن بیستم، از جایگاه مناسب اجتماعی و فرهنگی برخوردار نبود و متأثر از اوضاع نابسامان اجتماعی، سیاسی و فرهنگی بود. وجود حکومت‌های خودکامه، و چیرگی بیگانگان و فقر و تنگ‌دستی جامعه باعث شده بود که جامعه عرب در همه زمینه‌ها، به‌ویژه در زمینه علمی و فرهنگی عقب بماند و بیشتر مردم به‌ویژه زنان از کمترین حقوق خود بی‌بهره بودند. در زمینه آموزش باید اشاره کرد که بی‌سوادی در کشورهای عربی به‌ویژه در میان بانوان امری عادی بود. به دلیل نبود مدارس دخترانه، دختران از نعمت تحصیل حتی در حد خواندن و نوشتن محروم بودند. (عزالدین، ۱۹۶۰م: ۲۲) با آغاز نهضت جدید یکی از پیامدهای اساسی آن مسأله زن بود (تیمور، ۱۹۷۰م: ۱۵) که از مهمترین مسائل مطرح شده در اندیشه عربی شد. برخی اندیشمندان برایین باور هستند که حمله ناپلئون به مصر آغاز نهضت و جنبش ملی در کشورهای عربی است. اشغال اروپایی به عنوان یک جنبش فکری و اجتماعی، جمود و رکود را در جامعه قرن هجدهم در مصر به لرزه درآورد. با وجودی که فرانسوی‌ها مدت طولانی در مصر نماندند، ولی تأثیر زیادی از جمله فعالیت فرهنگی شایان توجهی را برجا گذاشتند. (الجیوسی، ۲۰۰۷م: ۳۳) از مهمترین تأثیرات آن، توجه به زن و حقوق وی بود. این تأثیرات پس از بازگشت فرستادگان مصری از فرانسه به رهبری رفاعة طهطاوی و آگاهی ایشان به تفاوت فاحش وضعیت اجتماعی زن مصری با مقایسه وضعیت اجتماعی زن فرانسوی و اروپایی و آغاز مطالبه حقوق زن به ویژه حق آموزش (العشماوی، ۲۰۰۵م: ۱۲) نمود یافت. رفاعة طهطاوی کتاب «المرشد الامین فی تعلیم البنات والبنین» را نگاشت، سپس قاسم امین دو کتاب

«تحریر المرأة» و«المرأة الجديدة» به تحریر درآورد، سپس سلامه موسی در نوشته‌هایش از جمله «المرأة ليست لعبة الرجل» و«افتحوا لها الباب» بیشترین تاثیر را داشت. (ماجد، ۲۰۰۵: ۱۲۵)

تلاش اصلاح‌گران کشورهای عربی در زمینه حقوق زن را می‌توان در چهار مرحله بیان داشت: مرحله نخست، مرحله نهضت است که از مسائل مهم در این دوره مسأله آموزش زنان بود که بطرس بستانی، فارس الشدیاق ورفاعه طهطاوی مطرح کردند، همچنین اندیشه‌های جمال الدین اسدآبادی وشیخ محمد عبده از روشنفکرانی بودند که به جنبش‌های آزادی‌خواهی زنان بیشتر دامن زد. مرحله دوم با قاسم امین آغاز گردید. وی به تساوی حقوق باور عمیقی داشت و مسأله زنان را به شکلی بیان داشت که تا آن زمان بی‌سابقه بود. اندیشه‌های وی در دو کتاب «تحریر المرأة» و«المرأة الجديدة» باعث پیدا شدن موافقان و مخالفان زیادی شد و در ایجاد فضای اجتماعی بسیار مؤثر بود. این کتاب از اندیشه و دیدگاه غربی به زن ریشه می‌گرفت. کتاب «المرأة الجديدة» باعث شد شاعرانی چون صدقی الزهاوی در عراق در اشعار خود به حقوق زن بپردازد و برای طرح مسائل زیاد چون حجاب و آزادی زن زمینه‌چینی کند و به این دو موضوع توجه زیادی داشت. (نیازی و شهریاری، ۱۳۸۶ش: ۵۶) مرحله سوم از دهه دوم قرن بیستم آغاز شد که از چند جنبه شایان اهمیت است، از یک سو کشورهای ابر قدرت بر کشورهای عربی چیره شدند و برخی به ساخت مدارس پرداختند. از سوی دیگر در این دوره جنبش‌های زنان شکل منسجم‌تری به خود گرفت به عنوان نمونه اتحادیه زنان در مصر در سال ۱۹۲۳ و در لبنان در سال ۱۹۲۴ و در سوریه در سال ۱۹۲۸ شکل گرفت. مرحله چهارم با مسأله فلسطین گره خورد و بیشتر به اشتغال زنان پرداختند. (یاسین، ۱۹۹۸م: ۸۳)

در شعر دوره پس از نهضت نگاه شاعران به زن تغییر کرد. در ادبیات کهن در مورد زیبایی‌های زن شعر می‌سرودند و زن از استقلال و موجودیت برخوردار نبود، اما در این دوران دیگر شاعران به توصیف زیبایی‌های زن پرداختند بلکه پس از آشنا شدن با فرهنگ کشورهای غربی از حقوق زنان سرودند که بیشتر سروده‌هایشان در دوره نهضت در مورد حق آموزش، حق همسرگزینی و حق حضور در اجتماع بود که در اشعار شاعرانی بزرگی چون صدقی الزهاوی، الرصافی و حافظ ابراهیم و... به وفور می‌توان این مضامین را یافت. شاعر نزار قبانی سنت‌ها را در هم می‌شکند و از عشق زن سخن می‌راند و در سروده‌هایش زن را به عنوان انسانی برابر با

مرد می‌داند که در جامعهٔ پردرد و پراشوب زندگی می‌کند. دغدغه‌های ارتباط‌های انسانی از مهمترین مسائل وی به شمار می‌رود. (الهوری، ۲۰۰۱م: ۲۳-۲۵)

به دنبال دعوت راستین به آزادی زن از یوق ستم و بردگی، زن عربی از خواب غفلت بیدار شد و آگاهی در وجودش خزید و جایگاهش را شناخت و تاریک‌های پیرامونش را دریافت و از منابع فرهنگ در داخل و خارج کشورش آگاهی یافت برای مسألهٔ آزادی زن تلاش بسیار نمود. در قرن نوزدهم زنان بیرق جنبش‌های آزادی بخش زنان را برافراشتند و جنبش زنان که به موقعیت و خواسته‌هایش آگاهی یافته بود شروع شد و ادبیات نیز با این جریان همسو شد که باعث دستیابی به درجه و سطح بسیاری از توجه به زنان در جامعهٔ نوین شد. زن عربی شروع به گرفتن حق خویش و وجود عقلی نمود. عقل و اندیشهٔ زن از ادارهٔ خانه به آگاهی وجود و شناخت زندگی و رهایی از عقدهٔ زبونی و پستی زن عربی و آداب و رسوم پوسیده متمایل شد و برای دستیابی به آزادی خویش تلاش نمود. در آغاز قرن بیستم زنان آزادی خواهی نمایان شدند که از پیش‌قراولان مدافع حقوق زن در کشورهای عربی به ویژه در سوریه، لبنان و مصر بودند که می‌توان به زینب الفواز، شاعر و نویسندهٔ جسور لبنانی اشاره نمود. وی وضعیت اجتماعی زن در آن دوره را ترسیم نمود که وسیله‌ای در دست مرد است که او را به خواسته و میلش اداره می‌کند و او را از آزادی و دانش با توسل به دلایل پوچ برحذر می‌دارد. شاعر در این باره می‌گوید: «زمان گذشت و ما زنان شرقی، دردهای خوشبختی به رویمان بسته است و بر ما با حجاب سنگین و بستن درهای آموزش و بیرون نیامدن از خانه و... سخت می‌گیرند تا جایی که می‌پندارد آن کارهای منع شده از زن مصیبت و بلاست که اگر زن در پی چنین کارهایی برود شرف و ناموسش خدشه‌دار می‌شود.» (سلیمان، ۱۹۹۵م: ۲)

## ۲-۳. نگاهی گذرا به مضامین شعری دیوان "شرفتی محطّ العصفیر"

دیوان "شرفتی محطّ العصافیر" آخرین مجموعه شعری شاعر فاطمه ناعوت تا کنون است. شاعر این مجموعه را به انسان های آزاده با نماد گنجشک پیش کش نموده است:

إِلَى الْعَصَافِيرِ الَّتِي تَزُورُ شَرْفَتِي / كُلَّ صَبَاحٍ / بِكَامِلِ الْحُرِّيَّةِ / تَمْلَأُونَ / بَيْتِي زَقْفَةً / وَغَنَاءً / وَصَدْحًا /  
 مِنْ دُونَ قَفْصٍ (ناعوت، ۲۰۱۸م: ۳)

(به پرندگانی که هر صبح با آزادی کامل به دیدار بالکنم می آیند، خانه ام را از جیک جیک و آواز بدون اینکه در قفس باشند پر می کنند.)

در ادامه از آزادی این پرندگان سخن می گوید که به خاطر آب ودانه ایشان را زندانی نمی کند:

فَأَنَا لَا أَقَابِضُ حُرِّيَّةً / بِمَاءٍ وَقَمَحٍ (همان)

(من آزادی (ایشان) را با مقداری آب و گندم مبادله نمی کنم)

در این مجموعه شعری مضمون اصلی، زن و حقوق وی است که با واژه های "أنا"، "أنت"، "امراة" و "فتاة" یا با نماد "زهرة"، "عصفورة" و "فراشة" یا اسطوره های باستانی چون "بانیلوب" و "ایزیس" بیان شده است.

در مضمون زن، در سروده هایش گاهی زن را ساده و بی آرایش، اما پاکدامن و وفادار معرفی می کند. در قصیده "إن الحزن... فن" زن را با نماد "ایزیس" که به دلیل وفاداری و جان نثاری، نماد ایزدبانوی اجاق بوده است (شوالیه، ۱۳۷۹ش: ۳۱۷) معرفی می نماید:

أَنَا إِيْزِيسُ النَّحِيْلَةِ / لَا الْمَاسَةَ فِي إصْبَعِي / وَلَا سِوَاؤَ ذَهَبِي / يُرِيْنُ مِعْصَمِي / لَكِنَّ تَاجًا مِنْ نُوْرِ / يُكَلِّلُ  
 هَامَتِي / عِنْدَ نَعْرِي / ابْتِسَامَةً / وَفِي قَلْبِي / مَجْرَّةٌ (همان: ۷۴-۷۵)

(من ایزیس لاغرهستم، انگشترالماسی در انگشتم نیست، ونه دستبند طلائی که من دستم را آراسته کند. ولی تاجی از نور سرم را در برمی گیرد، بر لبانم لبخند و در قلبم کهکشانی.)

وگاهی از مهربانی زن می سراید و با به کارگیری واژه و ترکیب های "الفرح"، "سلّة رمان"،

"قطع الحلوى" مهربانی زن را در شکل یک داستان به تصویر می کشد:

فِي الْمَسَاءِ / تَجُولُ / فِي دُرُوبِ الْقَرْيَةِ / تَحْمِلُ قَنْدِيلًا / وَفَتِيلَ زَيْتٍ / وَسَلَّةَ زَمَانٍ / تَطْرُقُ الْأَبْوَابَ / بِأَبَا /  
 فِي إِثْرِ بَابٍ / تُؤَزِّعُ الْفَرْحَ / عَلَى أَكْوَاخِ الْفُقَرَاءِ / وَقَطَعَ حَلْوَى / عَلَى أَطْفَالِ السِّفَاحِ الْمَنْدُورِينَ لِلْوَيْلِ  
 (همان: ۲۳۰-۲۳۱)

(شبانگاه در مسیرهای روستا می‌گردد. چراغی و فیتله روغنی و سبلی از انار برمی‌دارد، درها را یکی پس از دیگری می‌زند تا شادی را در کلبه‌های تهی‌دستان و تکه‌های شیرینی را برای کودکان حرام زاده قربانی بدبختی پخش کند.)

در قصیده "علی شرفه دارها" از تنهایی زن با بیان داستان دخترکی یتیم سخن می‌گوید که گویا سرنوشت وی تنهایی همیشگی و ناراحتی است و جز صدای مرگ صدایی از گوشه و کنار خانه‌اش به گوش نمی‌رسد:

فَتَمَّةٌ فَتَاةٌ / يَتِيمَةٌ / يَحْلِسُ فِي رُكْنِ الدَّارِ / وَحِيدَةً / لَا يُسَامِرُهَا سَمِيرٌ / وَلَا يُرَبِّتُ عَلَيَّ ظَهْرَهَا / حَانٍ / وَلَا يَقْطَعُ صَمْتَ بَيْتِهَا / إِلَّا دَفْقُ الْأَغَانِي الَّتِي / تَرَكَّهَا الْمَوْتَى / لِنَتَعَزَّى (همان: ۲۲۶)

(دختر جوان یتیمی هست که در گوشه‌ای از خانه تنها می‌نشیند، شب‌ها تا صبح همدمی با او سخن نمی‌گوید. انسان مهربانی دست نوازش بر شانه او نمی‌کشد. چیزی جز نواختن آهنگ‌هایی که مردگان آن را برجای گذاشتند، سکوت خانه‌اش را نمی‌شکند تا دل‌داری دهیم.)

از دیگر مضامین، دغدغه‌ها و مشکلات موجود در جامعه است، شاعر در قصیده "عصفور ابکم" گنجشک را نماد انسان تهی‌دست و درمانده‌ای می‌داند که از همه چیز ناامید شده و فقط در اندیشه تأمین غذای کودکان گرسنه خویش است:

لَمْ يَكُنْ عَصْفُورٌ إِذْنُ / إِذَا هَبَّ كُلُّ طَائِرٍ / يَخْشَى جَوْعَ الصَّغَارِ / عِنْدَ وَادِي الصَّقِيعِ الْمُوحِشِ / فَطَارَ / إِلَى حَيْثُ الْبِلَادِ الَّتِي / تَلْكُزُ أَوْطَانَهَا / عِنْدَ الصُّبْحِ / لِتُوقِظَهُمْ / وَعِنْدَ الظَّهْرِ / تَحْرِقُ جِبَاهَهُمْ / بِالشَّمْسِ / ثُمَّ تَضَعُ عَلَيَّ بُطُونَهُمْ / أَحْجَاراً ثِقَالاً / إِذَا انْتَصَفَ النَّهَارِ / لِكَيْلَا يَطْلُبُوا الطَّعَامَ / إِذَا جَاعُوا (همان: ۱۸۰)

(پس او گنجشک نبود، فقط در شکل پرنده‌ای است که در دره یخ‌زده متروک از گرسنگی کودکانش می‌ترسد، پس به سوی سرزمینی پرواز کرد که در صبح به کودکانش مشت می‌زند تا بیدارشان کنند. و هنگام ظهر خورشید پیشانی ایشان را می‌سوزاند، سپس بر شکم‌هایشان سنگ‌های سنگین قرار می‌دهد تا هنگام گرسنگی غذا نخواهند.)

در قصیده "عصفور أبکم" از پدیده فقر در جامعه سخن می‌گوید، از پیامد فقری که گریبان کودکان معصوم را می‌گیرد. از جامعه‌ای سخن می‌گوید که به کودکان تهی دست رحم نمی‌شود. گویا مهربانی و دلسوزی از این جامعه رخت بر بسته است و قساوت و بی‌رحمی را با واژه "سیاط" که نماد ستم و سنگدلی است بیان می‌کند:

فَلَمَّا عَادَ حُرًّا / إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي / تَقْتُلُ أَوْفَالَهَا / بِالْجُوعِ تَارَةً / وَتَارَةً بِالسِّيَاطِ / صَمَتَ عَنِ الشَّدْوِ / وَجَفَّ قَلْبُهُ / مِنَ الْعَرَامِ (همان: ۱۸۱-۱۸۲)

(هنگامی که آزاد به سرزمینی بازگشت که کودکانش را یکبار با گرسنگی و یکبار با تازیانه می‌کشد، از آواز خواندن خاموش ماند و قلبش از دلدادگی خشک شد.)

آزادی از دیگر مضمون‌های شعری است که در این مجموعه خودنمایی می‌کند. شاعر در قصیده "عصفور سچین" گنجشک را نماد آزادمردان و شکارچیان را مخالفان و دشمنان آزادی و آزادمردان می‌داند:

وَالصَّيَادُونَ / كَمَا تَعْلَمُونَ / يَكْرَهُونَ الشَّدْوِ / وَالطَّيْرَانَ / عُصْفُورٌ حُرٌّ / لَا تَحُدُّهُ / سَمَاءٌ / وَلَا تُظَلِّلُ / هَامَتَهُ / كَوَاكِبُ / وَجَزَائِرَاتِ (همان: ۹۶-۹۷)

(شکارچیان همانطور که می‌دانید از آواز و پرواز بیزارند. گنجشک آزاد آسمانی او را محدود نمی‌کند و ستارگان و کهکشان‌هایی بر سرش سایه نمی‌افکنند.)

شاعر در قصیده دیگری، گنجشکان را نمادی برای آزادمردان به کار می‌برد که هرگاه عرصه را تنگ ببابند، آن را تغییر می‌دهند یا از آنجا کوچ می‌کنند تا آزادی خود را حفظ نمایند:

هَنَا / يَكْتَمِلُ سِرْبُ الْعَصَافِيرِ الَّتِي / تَتْرُكُ الْعُشَّ الْهَزِيلَ / وَتَمْضِي / إِلَى عُشِّ جَدِيدٍ / يَحْمِلُ الْقَرْحَ (همان: ۱۵۳)

(اینجا دسته گنجشکانی که لانه تنگ را رها می‌کنند، کامل می‌شود تا به سوی لانه‌ای نو که شادی دربردارد بروند.)

شاعر از آزادی زنان در جامعه می‌سراید، با زبانی تلخ از نبود آزادی زنان در جامعه فریاد برمی‌آورد و با به‌کارگیری واژه‌های "فؤوس"، "النصال" بیان می‌دارد که موانعی در مسیر آزادی زنان در جامعه به مانند تبر و نیزه است که گلویشان را نشانه می‌رود، از واژه "أعناق" بهره می‌جوید و گردن مجاز از زبان که وسیله سخن گفتن است و با چنین کاری زنان از بیان احساسات و اندیشه خود باز می‌ماند:

إِذَا مَا كَلَّتْ هَامَاتِهِمْ / صَلَوَاتُ الصَّبَايَا / يَرْفَعُونَ فُؤُوسَهُمْ / فَوْقَ أَعْنَاقِ الْبَنَاتِ / وَيَغْرَسُونَ الْبِصَالَ  
 الْقَاسِيَاتِ / بَيْنَ عِظَامِ النُّحُورِ / حَتَّى يَمُوتَ الصَّوْتُ الْوَاهِئُ / فِي الْخِتَاجِرِ (همان: ۲۸)

(زمانی که صدا و صلوات دوشیزگان درس‌شان پیچید، تبرهاشان را بر گردن دختران برمی-  
 افراشتند و تیرهای سخت را میان استخوان‌های گردن‌ها می‌نشانند تا اینکه صدای ضعیف  
 در حنجره‌ها بمیرد.)

### ۳. مؤلفه‌های حقوق زن در مجموعه شعری

#### ۳-۱. حق کرامت انسانی زن

در ماده ۷ بند الف اعلامیه جهانی حقوق بشر، بیان شده است که زن در کرامت انسانی با مرد برابر است و در برابر حقوقی که دارد تکالیفی بر عهده اوست. زن شخصیت اجتماعی دارد و در تعهدات و جریانات مالی خود استقلال دارد و نیز حق حفظ و نگهداری از نام و نسب خویش را دارد. (جعفری، ۱۳۸۰ش: ۲۱۰)

فاطمه ناعوت در اشعار خود به کرامت نفس زنان اشاره دارد که این کرامت نفس توسط مردان پایمال می‌شود. وی در قصیده "جاریه" داستان کنیزکی را به تصویر می‌کشد که مورد بی-حرمتی بسیار واقع می‌شود. شاعر برای تربیت زنان از فعل "أرّوض" (رام می‌کند) از زبان مرد بهره می‌گیرد. این واژه معمولاً برای رام کردن اسب به کار گرفته می‌شود. از این واژه استفاده می‌نماید تا اعتراض و انزجار خود را به گوش همگان برساند که ارزش انسانی زن در جامعه مردسالار به اندازه حیوانات و حتی کمتر از حیوانات است:

أَنَا ابْنُ الْمَلِكِ / أَخْتَالُ فِي الْأَرْضِ مَرْحًا / أَجُوبُ حُقُولِي / وَأَبَارِي / وَأَحْنُو عَلَيَّ جِيَادِي / وَأَرَّوِّضُ  
 نِسَائِي / بِالسُّوِّطِ وَالْعَصَا (ناعوت، ۲۰۱۸م: ۵۳)

(من پسر پادشاه هستم با تکبر و غرور در زمین راه می‌روم، در میان باغ‌ها و چاه‌هایم می‌چرخم. بر اسبانم مهربانی می‌کنم و زنانم را با شلاق و عصا رام می‌کنم.)

شاعر در پایان قصیده فعل "أرکل" (لگد می‌زنم) را به کار می‌برد، چرا که لگد زدن بی‌احترامی به انسان است، مرد پس از پایان کار، به جای تشکر، به او لگد می‌زند. در پایان از فعل «تَبَخَّرَ» استفاده می‌کند تا اعلام دارد که حق کرامت انسانی زن با حق حیات او برابر است و آن هنگام که کرامت انسانی زن پایمال شود زندگی برای وی تمام شده است:

ها هي الجارية/ أو شكت/ أن تُبتمّ مهامها/ وحين تشرّب المنشفة/ آخر قطرة/ من ماء قدمي/ ومن دمها/ أعرف/ أن آن الأوان/ لكي أركلها بطرف قدمي/ ف/ تبخّر (همان: ٥٣)

(هان این کنیز است، نزدیک است کارش را به پایان رساند و هنگامی که حوله آخرین قطره آب پای مرا و خونش را می‌نوشد، می‌دانم که اکنون زمان آن فرا رسیده تا با کناره پایم به او لگد بزنم، بنابراین تبخیر و نابود می‌شود.)

شاعر در پایان قصیده "حلم" از خشونت بر علیه زن می‌سراید. وی برای بیان خشونت علیه زنان از نماد بهره می‌جوید، واژه‌های "حبال"، "شبهه" و "ذبح" را به کار می‌گیرد. زنان را به گوسفندانی تشبیه می‌کند که به گردنشان ریسمان‌هایی آویخته شده و به سوی قربانگاه کشیده می‌شوند. طناب‌ها، کشیده شدن و گوسفندان بیانگر اوج خشونت و بی‌احترامی به زنان است، و با ایشان بر خلاف میل و خواسته‌شان رفتار می‌شود. به کارگیری واژه "ذبح" باز یادآور برابری حق کرامت انسانی با حق حیات است که پایمال شدن حق کرامت انسانی برابر با مرگ انسان است:

السّماء تبكي/ حين تُربطُ في أعناق أمهاتهم/ حبال/ لئسحبن/ كما تُسحبُ الشياه/ في موسم الذّبح العظيم (همان: ٣٦)

(آسمان گریه می‌کند هنگامی که به گردن مادرانشان ریسمان‌هایی می‌بندند تا ایشان بر روی زمین کشیده شوند، همان‌طور که گوسفندان در زمان قربانی بزرگ کشیده می‌شوند.)

در قصیده "الدرس" شاعر با به تصویر کشیدن یک داستان، به خوبی از نگرش منفی و بی‌پایه و اساس مردان در جامعه سخن می‌گوید که زن را عامل بدبختی ورنج، و عشق را لگه ننگی برای زن می‌دانند. شاعر در این قصیده از واژه‌های "سوط"، "خوف"، "صرخ" و "یدمی" که



بیانگر هتک کرامت انسانی است، یاری می‌جوید، شلاق و فریادکشیدن بیانگر خشونت علیه زن و نادیده گرفتن حق کرامت انسانی است:

صَرَخَ فِي وَجْهِهَا / اغْرَبِي عَن سَمَائِي / فَأَنْتِ سِرُّ هَمِّي / وَبَلَوَائِي / تَطْرُقُ فِي خَوْفٍ / وَ تُسَلِّمُ جَسَدَهَا /  
راضيةً / مَرْضِيَّةً / لِسَوِّطٍ فِي يَدِهِ / يُمَزِّقُ أَوْصَالَهَا / وَيُدْمِي قَلْبَهَا (همان: ۱۵۴-۱۵۵)

(به روی او فریاد کشید از آسمانم غروب کن و دور شو که تو راز درد و بدبختیم هستی. سرش را با ترس پایین می‌افکند و جسمش را با رضایت و اختیار برای شلاق در دستش تسلیم می‌کند که بندبند وجودش را می‌درد و قلبش را زخمی می‌کند.)

در سروده‌ای دیگر شاعر از درد بزرگ در جامعه مرد سالار می‌نالند، دردی که مردان به خاطر ستم و خشونت در حق زنان و بی‌احترامی به ارزش والای انسانی زن سرزنش نمی‌شوند، حتی اگر دوشیزگان مورد تعرض مردان قرار گیرند؛ چرا که در این جوامع زن به طور کامل در اختیار مرد است و برای وی ارزشی قائل نیستند. به کارگیری ترکیب "حَبَاتِ اللُّؤْلُؤِ" نماد پاکدامنی زن است و جمله "شَقُّوا بَطُونَ الصَّبَايَا" بیانگر تعرض مردان و چشم طمع داشتن به دختران جوان است که بی‌هیچ واهمه‌ای به خود اجازه چنین کار زشتی را می‌دهند:

الْفَلَّاحُونَ / غَيْرُ مَلُومِينَ / حِينَ شَقُّوا بَطُونَ الصَّبَايَا / لِيُخْرِجُوا حَبَاتِ اللُّؤْلُؤِ / وَالتَّمَرِ الْأَحْمَرِ (همان: ۳۱)

(کشاورزان سرزنش نمی‌شوند هنگامی که شکم دختران جوان را شکافتند تا دانه‌های مروارید و تمر سرخ بیرون آورند.)

وقصیده را با جمله "يَحْمِلُهُنَّ التَّابُوتُ" به پایان می‌رساند و موضوع هتک کرامت انسانی را برابر با مرگ زن می‌داند:

الْفَلَّاحُونَ / يَحْصُدُونَ الْحَقُولَ / وَالصَّبَايَا / يَحْمِلُهُنَّ التَّابُوتُ (همان: ۳۲)

(کشاورزان دشت‌ها را درو می‌کنند و دختران جوان ایشان را تابوت حمل می‌کند و در برمی‌گیرد.)

## ۲-۲. حق آرامش و امنیت

از حقوق اساسی هر فرد در جامعه حق آرامش و امنیت است. در اعلامیه جهانی این حق به طور صریح بیان شده است که هر کس حق دارد سطح زندگی او، سلامتی و رفاه خود و خانواده‌اش را از حیث خوراک، مسکن، مراقبت‌های طبی و خدمات لازم اجتماعی تأمین کند. همچنین حق دارد در مواقع بیکاری، بیماری، نقص عضو، بیوگی، پیری یا در تمام موارد دیگری به دلایل خارج از اراده انسان، وسایل امرار معاش از بین رفته باشد، از شرایط آبرومند زندگی برخوردار باشد. (ماده ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر) آسایش و امنیت زن در اسلام شامل معاشرت و رفتار مشروع مرد با زن، محافظت از عزت نفس و کرامت زن، تأمین مخارج زندگی، تأمین مسکن، وسایل بهداشتی، سلامتی و لباس است. (زحیلی ۱۴۲۵: ۳۵۰-۴۵)

در این دیوان سروده‌های بسیاری، حق آرامش و آسایش زن را بیان می‌دارد. در قصیده "ماجناکارتا" با استفاده از نماد به نادیده گرفته شدن حقوق زن می‌پردازد، یک جا برای بیان مظلومیت زن از نماد "فراشته" بهره می‌جوید و در جایی دیگر از نماد "زهرة" و در جایی دیگر، به صورت صریح از واژه "سیده" بهره می‌جوید.

شاعر جنگ را یکی از عوامل به خطر افتادن آرامش و امنیت زنان می‌داند و جنگ عرب و اسرائیل را یادآور می‌شود که زنان بی‌گناه قربانی جنگ می‌شوند و جان خود را از دست می‌دهند:

عَلَى الشُّعْرَاءِ/ أَنْ يَعُودُوا إِلَى ثُكُنَاتِهِمْ فِي الْحَالِ/ فَالْحَرْبُ حَطَّتْ أَوْزَارَهَا/ ذَاكَ أَنَّ السَّيِّدَةَ الَّتِي  
انْفَجَرَتْ أَمْعَاؤُهَا/ بَيْنَ عَمَّانَ وَبَيْرُوتَ/ فِيمَا تَحْمِلُ مَنَشُورَاتِ الْهُوَى/ مَا زَالَتْ تَنْتَظِرُ/ أَنْ يُلْمَمَ الرِّفِيقُ  
التَّائِرُ/ نُتَازَهَا/ مِنْ بَيْنِ رُكَامِ الرِّصَاصَاتِ/ وَالسُّنْطَايَا (ناعوت، ۲۰۱۸: ۲۱۲)

(شاعران باید فوراً به پادگان‌هایشان بازگردند، چون جنگ به پایان رسید؛ چرا که زنی بین عمان و بیروت روده‌هایش متلاشی شد، حال آن‌که اعلامیه‌های عشق را با خود به همراه داشت هنوز منتظر است تا دوست انقلابی‌اش تکه‌هایش از میان انبوه گلوله‌ها و ترکش‌ها جمع کند.)

از دیگر پیامدهای جنگ، بی‌خانمانی و آوارگی زنان است که گاهی مجبور به گذراندن شب در پیاده‌روها با ترس هستند. شاعر از نماد "زهرة" بهره می‌جوید تا لطافت و حساس بودن و حق آسایش و امنیت زن را گوشزد کند که تحمل این دردها ورنج‌ها را ندارد و نیاز به مسکن و امنیت دارد:

عَلَى سَائِقِي الشَّاحِنَاتِ / أَنْ يَتَجَبَّهُوا طُرُقَاتِ الْهَوَى / فَتَمَّةٌ زَهْرَةٌ نَائِمَةٌ / بَيْنَ أَحْجَارِ الْأَرْضِ مَهْمَةٌ / لَا يَلِيقُ إِزْعَاجُهَا / بِبُوقِ الشَّاحِنَاتِ (همان: ۲۱۳)

(رانندگان کامیون‌ها باید از راه‌های عشق و دلدادگی دوری گزینند، زیرا میان سنگ‌فرش‌های پیاده‌رو گلی خوابیده که آزار دادنش با بوق کامیون‌ها شایسته نیست.)

قصیده "لأنَّ الفرح ينسى أنه فرح" از سروده‌هایی است که در آن به بیان وضعیت زنانی می‌پردازد که شوهرانشان را به هر دلیلی ایشان را رها کردند و در خانه تنها و بی‌همدم می‌مانند. از مشکلات این زنان پرده برمی‌دارد که حتی از امکانات اولیه آسایش نیز به مانند خوراک بهره‌مند نیستند و در خانه چیزی برای آرامش، شادی و عشق و امید به زندگی برایشان فراهم نشده است:

لَمْ يَشْقِ مَعَهَا زُهْرَةَ الشُّرْفَةِ / وَلَا لَاعَبَهَا الشُّطْرَنْجُ / تَحْتَ ضَوْءِ الْقَمَرِ / لَمْ يَقْتَسِمِ مَعَهَا / صَحْرَ الزَّيْتُونِ / وَلَا قَاسَمَهَا / ثَمَارَ الدُّرَةِ الْمَشْوِيَةِ / عَلَى ضِيفِ النَّيْلِ / ... / لَمْ يَتْرُكْ لَهَا مَجْلَدَةَ صَيْدِهِ / الَّتِي تَسْقُطُ مِنْهَا الطَّرَائِدُ / لِتَقْتَاتِ مِنْهَا / إِذَا مَا ذَبَحَهَا الْجَوْعُ / وَلَا تَرَكَ عَلَى طَاوِلَتِهَا / كَأْسَ مَاءٍ / تَرْوِي ظَمَأَ الْبَنِينِ / لَمْ يَجْلِبْ لَهَا / نَبْتَةً فِي أَصِيصٍ / لِأَنَّ النَّبَاتَ حَيَاةٌ (همان: ۲۶۸-۲۶۹)

(با او گل‌های بالکن را آب نداد و با او زیر مهتاب شطرنج بازی نکرد. با او ظرف زیتون را تقسیم نکرد. و با او ذرت کبابی را کنار نیل تقسیم نکرد... برای او تور شکارش را نگذاشت تا به او از اولین شکارهای افتاده در تور بخوراند هنگامی که گرسنگی او را می‌کشت. لیوان آبی روی میز نگذاشت تا سال‌های تشنگی را برطرف کند. برای او گیاهی در گلدان نیاورد، زیرا گیاه زندگی است)

شاعر از واژه‌هایی چون "زهور"، "الزیتون"، "ضوء"، "القمر"، "نبته" و "أصيص" که نماد زندگی، آرامش و آسایش است، بهره گرفته است، تا میزان اهمیت این حق را در زندگی زن بیان کند. در ادامه وضعیت زنانی را بیان می‌دارد که با وجود این که شوهرانشان در کنارشان هستند، اما برای آرامش و آسایش ایشان هیچ تلاشی نمی‌کنند و حضورشان را در خانه به قبرستان تشبیه کرده است که با بی‌توجهی، مرگ را به خانه می‌آورند و ایشان را به کام مرگ می‌کشانند:

ما جاء إلّا/ ليزرع الموت/ على حواف الأضرحة (همان: ۲۶۹)

(فقط آمده تا مرگ را در اطراف بارگاه‌ها بکارد.)

در ادامه با واژه‌هایی چون "السيف" و "نحور" بیان می‌دارد که با این بی‌توجهی به آرامش و آسایش زن، بهتر است که دختران زیباروی را گردن زنند؛ چرا که زندگی بدون آرامش و آسایش از مرگ دردناک‌تر است:

إمّا/ أمرٌ مسرورٌ/ أن يُجهزَ السيفَ/ الذي يُجزُّ نحورَ العذراوات/ قبلَ صياحِ الديك (همان: ۲۷۱)

(تنها کار شاد این است که شمشیری را آماده کند، دوشیزگان را پیش از سپیده‌دم گردن زنند.)

### ۳-۳. حق همسرگزینی

در اصطلاح حقوقی "ازدواج" رابطه‌ای است حقوقی و عاطفی که با عقد بین زن و مرد به وجود می‌آید و به ایشان حق می‌دهد که با یکدیگر زندگی کنند. (محقق داماد، ۱۳۶۸ش: ۲۲)

بند (الف) ماده ۱۶ کنوانسیون اعلام می‌دارد «هر زن و مرد بالغی حق دارند بدون هیچ محدودیتی از نظر نژاد، ملیت، تابعیت و یا مذهب با یکدیگر ازدواج و تشکیل خانواده دهند و در همه دوران زناشویی و یا انحلال آن، زن و شوهر در کلیه امور مربوط از حقوق مساوی و برابر برخوردار هستند». بند (ب) این ماده درباره رضایت در ازدواج بیان می‌دارد: «ازدواج باید با رضایت کامل و آزادانه زن و مرد انجام گیرد». (کنوانسیون حقوق زنان)

کنوانسیون در مورد چند همسری سکوت کرده است؛ محتوای همه بندهای ماده ۱۶ ناظر بر تک‌همسری است. به عنوان نمونه بند (الف) ماده ۱۶ کنوانسیون، حق یکسان برای ورود به ازدواج را تأکید می‌کند. همچنین در ماده ۱۶ اعلامیه حقوق بشر و مفاد سند نشست پکن با توجه به قوانین کشورهای اروپایی و آمریکایی تفسیر کنوانسیون است همگی چند همسری را

ممنوع و جرم می‌دانند، همچنین قانون مجازات فرانسه نیز چند همسری را جرم و متخلفان تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند، بنابراین کنوانسیون چند همسری را نپذیرفته است. کمیته حقوق زنان در بند ۱۴ توصیه نامه شماره ۲۱، حق چند همسری مردان را در تعارض با حق برابری زن و مرد دانسته است که می‌تواند عواقب عاطفی و مالی جدی برای زن و وابستگان او به همراه داشته باشد، بنابراین این ازدواج‌ها باید ممنوع اعلام شوند. (شریفی، ۱۳۹۶ش: ۹۱)

در اسلام، چند همسری برای مردان با شرایطی چون رعایت عدالت، تا چهار زن مورد پذیرش است. فقها بر جایز بودن چند همسری مردان به این آیه قرآن استناد می‌کنند: ﴿...فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَىٰ وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً﴾ (نساء: ۴)، بنابراین در کشورهای اسلامی، چند همسری مجاز شده است، اگر چه در برخی کشورها با توجه به فضای موجود در جامعه محدودیت‌هایی برای ازدواج مجدد پیش بینی شده است و آن را به دریافت مجوز از دادگاه موکول کرده‌اند. (کاتوزیان، ۱۳۷۰ش: ۱۱۵)

شاعر زنی است که در جامعه عربی زندگی می‌کند و از آداب و رسوم جامعه عربی به خوبی آگاهی دارد، در سروده‌هایش به موضوع چند همسری اشاره می‌نماید. وی در قصیده "لو كنت ساحرة" از ظلم و ستم مردان بر زنان سخن می‌گوید. وی قصیده را با حرف شرط "لو" آغاز می‌کند تا بیان دارد که اصلاح دیدگاه مردان نسبت به زنان کار بسیار دشواری است. وی پس از بیان ستم مرد به زن و خیانت به عشق، موضوع تلخ چند همسری را به میان می‌کشد و از درد زنی که شوهرش زنان دیگر و معشوقه‌های دیگر اختیار می‌کند، می‌سراید:

وَكُلِّمًا / عَانَقَتْ امْرَأَةً سِوَايَ / وَكُلِّمًا / فَتَاةٌ / ذَفَنْتَ رَأْسَهَا / فِي غَابَةِ صَدْرِكَ / صَدْرِكَ الَّذِي / رَحِبْتُ  
عَلَى جَمِيعِهِنَّ / إِلَّا عَلَيَّ (ناعوت، ۲۰۱۸م: ۱۸۵)

(وهرگاه زنی را به جز من در آغوش گرفتی و هرگاه دختر جوانی، سرش را در جنگل سینه‌ات پنهان کردی، سینه‌ای که برای همه فراخ است جز برای من.)

شاعر در ادامه قصیده دلدادگی مردان به بیش از یک زن را جنگی می‌داند که مصیبت‌هایش را برای زن برجای می‌گذارد. آرزوی دختران را بازگو می‌نماید که در رؤیای مردی پاک هستند که فقط ایشان را به عنوان تنها همسر خود انتخاب کند و از چند همسری در رنج و عذابند:

أَنْتَظِرُ فِي هَدْوٍ / هُوَدَجًا دَافِعًا / يَحْمَلُ إِلَى قَلْبِي / فَارِسًا طَيِّبًا / يُقَدِّمُ لِي / كِتَابَ الْفِرَاعَيْنِ / وَخَاتَمًا مِنْ الْأَمَاسِ / وَقَلْبًا لَا يَعْرِفُ / الْقَتْلَ / وَصَدْرًا / لَا يُجِبُّ فِي رِحَابِهِ / رَأْسًا سَوِي رَأْسِي (همان: ١٨٧-١٨٨)

(با آرامش منتظر کجاوه‌ای گرم هستم که یک شوالیه پاک برای قلبم می‌آورد. به من کتاب فرعون‌ها را پیش کش می‌کند و انگشتر الماس و قلبی که کشتن را نمی‌شناسد و سینه‌ای که سری جز سر مرا درخود پنهان نمی‌دارد.)

در این ابیات به کارگیری واژگان و ترکیب‌هایی چون "دافی"، "فارس طیب"، "خاتم من الماس"، "قلب" و "صدر" آرزوی دختران جوان را برای ازدواج با مردان پاک که فقط در زندگی یک دلداده بیشتر نمی‌خواهند، مردانی که به چند همسری نمی‌اندیشند و در فکر خیانت به همسرشان بیان می‌نماید.

در جای دیگر شاعر از پایمال شدن حق‌گزینش همسر سخن می‌گوید که در جامعه عربی دختران در هر قشر و موقعیتی حق انتخاب همسر را ندارند. در قصیده "غرفة الأميرة" شاعر برای بیان این ستم از واژه‌هایی چون "أسوار"، "خوف"، "أجداد غلاظ"، "شوک" و "سوط" بهره می‌جوید که دژها، دیوارها و خار نمادی بر موانع همسرگزینی دختران است. و ترس بیانگر وحشت دختران از هویدا شدن عشقشان بر پدر و بزرگان خویش است. به کارگیری این واژه‌ها اوج خشونت و ستم به دختران در جامعه‌ای که نگرش مردسالار و آداب و رسوم پوسیده بر آن سایه افکننده را با تمام درد و رنج به تصویر می‌کشد:

هٰنَا فِي عُرْفَتِي هَذِهِ / كَانَتْ أَمِيرَةً / تُخْفِي خَوْفَهَا / بَعِيدًا عَنْ أَجْدَادِ غِلَاطٍ / يَحْمَلُونَ السُّوْطَ / وَيَرْرَعُونَ الْأَسْوَارَ بَيْنَ الْعُشَاقِ / وَالشُّوْكَ / فِي قُلُوبِ الْبَنَاتِ (همان: ٢٩١)

(اینجا در این اتاقم شاهزاده‌ای ترسش را از نیاکان سنگ‌دل پنهان می‌کند که با خود شلاق دارند و دژهایی بین عاشقان می‌کارند و خار در قلب دختران.)

شاعر در پایان این قصیده بیان می‌دارد که دخترانی که حق انتخاب همسر را ندارند کم نیستند و این دختران در خانه‌ها زندانی می‌شوند و با آه و ناله روزگار را سپری می‌کنند:

كَمْ فَنَاءٍ / صَرَخَتْ فِي صَمْتٍ / بَيْنَ جُدْرَانِ الْعُرْفِ / كَمْ وَرَقَةٍ صَفْرَاءٍ / حَمَلَتْ اسْتِغَاثَةً مَكْلُومَةً تَبْكِي /  
كَمْ مِنْدِيلًا / جَمَعَ الدُّمُوعَ الْحَارَّةَ / بَيْنَ خُيُوطِهِ (همان: ۲۹۴)

(چه دخترانی که در میان دیوارهای اتاق‌ها در سکوت فریاد بر می‌آورند. چه کاهگل‌های زردرنگ که فریاد کمک خواستن زخم خورده گریان را در بردارد. چه دستمال‌هایی که اشک‌ها را در بین تار و پودش جمع می‌کند.)

### نتیجه‌گیری

دیوان "شرفی محطّ العصافیر" سرشار از سروده‌هایی در زمینه حقوق زن است. یافته‌های پژوهش بیانگر این است که:

۱. شاعر در این دیوان به سه مؤلفه حقوق زن توجه داشته است، حق کرامت انسانی زن، حق آرامش وامنیت و حق همسرگزینی. در مقوله همسرگزینی به مسأله حق انتخاب همسر و چند همسری توجه نموده است.

۲. شاعر در بیان حقوق زن از رمز و نماد بیشتر از زبان صریح استفاده کرده است. از نمادهای چون "سوط"، "سیف"، "موت" و "تابوت" برای بیان نادیده گرفتن حقوق زن و ستم در حق زن استفاده نموده است. برای بیان آداب و رسوم پوسیده و غلط در جامعه، نمادهایی چون "شوك"، "جدران"، "أسوار"، "أجداد غلاظ" و "شیوخ" را به کار برده است. برای بیان زندگی در آرامش و آسایش از نمادهایی چون "زیتون"، "أصیص"، "نبتة" و "زهرة" یاری جسته است.

۳. پربسامدترین مؤلفه حقوق زن حق کرامت انسانی زن است. شاعر در بسیاری از سروده‌ها با زبان تند و اعتراض از این حق سخن می‌گوید و از نادیده گرفته شدن آن در جامعه مردسالار پرده برمی‌دارد. از رفتار زشت و دردآور مردان با زنان فریاد برمی‌آورد که برای کرامت انسانی او ارزشی قائل نیستند.

٣. حق آرامش وامنیت زن از دیگر مولفه‌های پربسامد در این دیوان شعری است که در جامعه به آرامش وامنیت زن توجه نمی‌شود. زن پیوسته قربانی بی‌توجهی و نبود آرامش می‌شود. نبود آرامش در جنگ بسیار نمود دارد، شاعر از آوارگی و بی‌خانمانی و ترس و وحشت و کشته شدن زنان در دوران جنگ سخن می‌گوید.

٤. حق گزینش همسر و چند همسری مردان از دیگر دغدغه‌های شاعر در جامعه عرب است. در این مؤلفه شاعر به مسأله نادیده گرفته شدن حق دختران در انتخاب همسر از هر قشر و طبقه‌ای پرداخته است و موضوع دیگر در این مؤلفه که شاعر بدان توجه دارد مسأله چند همسری مردان است که باعث تباه شدن حق زنان می‌شود و آسیب‌های روحی و عاطفی برای زنان می‌شود.

## منابع

### کتاب‌های عربی

- القرآن الکریم
- البحوری، رفیقه (٢٠٠١م)، المرأة ولعبة الحروف في شعر نزار قباني، تونس: دار محمدعلي الحامي.
- تیمور، محمود (١٩٧٠م)، الاتجاهات الأدبية في السنة المائة الأخيرة، القاهرة: مكتبة الآداب.
- الجیوسی، سلمی الخضراء (٢٠٠٧م)، الاتجاهات والحركات في الشعر العربي المعاصر، بیروت: مرکز دراسات الوحدة العربية.
- حمود، محمد العبد (١٩٩٦م)، الحدائث في الشعر العربي المعاصر، بیروت: الشركة العالمية للكتاب.
- حیدوش، أحمد (٢٠٠١م)، شعرية المرأة وأنوثة القصيدة، دمشق: مطبعة اتحاد الكتاب العرب.
- الزحيلي، وهبة (١٤١٨ق)، الفقه الإسلامي وأدلته، المجلد العاشر، دمشق: دار الفكر.
- عزالدین، یوسف (١٩٩٦م)، شعراء العراق المعاصرون في القرن العشرين، بغداد: مطبعة أسعد.
- ناعوت، فاطمة (٢٠١٨م)، شرفتي محطّ العصافير، القاهرة: روافد.
- ماجد، مصطفى (٢٠٠٥م)، في الأدب العربي الحديث والمعاصر، القاهرة: دار الفكر للنشر والتوزيع.
- یاسین، بوعلي (١٩٩٨م)، حقوق المرأة في الكتابة العربية منذ عصر النهضة، ط ١، دمشق: دار الطبعة.

### کتاب‌های فارسی

- اعلامیه جهانی حقوق بشر و کنوانسیون رفع هر گونه تبعیض برضد زن.
- شوالیه، ژان (١٣٧٩ش)، فرهنگ نمادها: اساطیر، روایاها، رسوم و...، ترجمه و تحقیق سودابه فضايلي، تهران: انتشارات جيحون.



-جانسون، گلدن (۱۳۷۷ش)، اعلامیه حقوق بشر و تاریخچه آن، ترجمه محمد جعفر پوینده، انتشارات نی.

-جعفری، محمد تقی (۱۳۸۰ش)، تحقیق در نظام حقوق جهانی بشر (از دیدگاه اسلام و غرب) و تطبیق آن دو بر یکدیگر، تهران: دفتر خدمات حقوقی بین المللی جمهوری اسلامی ایران.

-طباطبایی مومنی (۱۳۷۵ش)، آزادی‌های عمومی و حقوق بشر، چاپ چهارم، تهران: دانشگاه تهران.

-کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۵ش)، حقوق مدنی خانواده، تهران: بهمن برنا.

-محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۶۸ش)، تحلیل فقهی حقوقی خانواده، تهران: مرکز نشر علوم انسانی.

- مرکز مطالعات و تحقیقات زنان (۱۳۸۲ش)، کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان (مجموعه مقالات و گفتگوها)، قم.

-مهرپور، حسین (۱۳۷۴ش)، حقوق بشر در اسناد بین المللی، تهران: انتشار اطلاعات.

### پایان نامه‌ها

-حیدری، علی (۱۳۹۷ش)، تصویر زن در دیوان «لیس اسمی صعباً»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه لرستان.

-شریفی جبلی، الهام (۱۳۹۶ش)، حقوق زن در خانواده از نگاه روشنفکران دینی معاصر ایران در پرتو حقوق بشر بین المللی، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته حقوق بین الملل، دانشگاه شهید بهشتی. فرهنگ دوست، امیر (۱۳۹۶ش)، تحلیل ساختار اسلوب و مضامین شعر فاطمه ناعوت، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه گیلان.

-مظاهری، کیمیا (۱۳۸۴ش)، بررسی تروریسم و نقض حیات، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته حقوق بشر، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.

### مجلات

-بوشلیقیه، رزیکه (۲۰۱۷م)، «فوق کف امرأة» للشاعرة فاطمة ناعوت، مجلة جیل الدراسات الأدبية والفكرية، العدد ۳۳، صص ۵۳-۷۰.

-توفیق، مجدی احمد (٢٠٠٦م)، «الزهرة والكف، قراءة في ديوان فاطمه ناعوت»، مجلة أدب ونقد، العدد ٢٤٤، صص ٦٦-٧٥.

-حیدری، علی وآخرون (١٤٤٠ق)، «الوحده في اسمي ليس صعباً»، مجلة الكلية الإسلامية الجامعة، العدد ٥١، صص ٢١١-٢١٣.

-ذوالقدر، مالک ووحید محمدزاده (١٣٩٣ش)، «حقوق بشر وجهان بینی‌ها ونسبی‌گرایی»، نشریه مطالعات حقوق بشر اسلامی، شماره ٦، صص ٦٤-٨٦.

-رجبی، فرهاد و امیر فرهنگ دوست (١٤٠١ش)، «خوانش پذیری شعر فاطمه ناعوت و محمدرضا شفیعی کدکنی بر اساس شعور ماده»، کاوش‌نامه تطبیقی، شماره ٣٢، صص ٤٥-٦٢.

-رجبی، فرهاد و امیر فرهنگ دوست (١٣٩٦ش)، «بررسی انواع عاطفه در دیوان "الأوغاد لا یسمعون" الموسیقی از فاطمه ناعوت»، دومین کنفرانس بین المللی مطالعات اجتماعی فرهنگی و پژوهشی، صص ٤٢-٥٨.

-رجبی، فرهاد و امیر فرهنگ دوست (١٣٩٦ش)، «کارکردهای سینمایی در شعر فاطمه ناعوت»، فصلنامه لسان مبین، شماره ٢٩، صص ٨١-١٠٤.

-منتظری، هادی (١٣٩٦ش)، «نگاهی به حقوق زنان از منظر حقوق بین الملل؛ مطالعه موردی کنوانسیون

رفع تبعیض علیه زنان»، فصلنامه مطالعاتی صیانت از حقوق زنان، شماره ٩، صص ٩٧-١٢٠.

-مهدیان طریقه، روح‌الله و علی حیدری (١٣٩٩ش)، «بازتاب تنهایی زن در جامعه مردسالار در شعر سیمین بهبهانی و فاطمه ناعوت»، نشریه زن و فرهنگ، شماره ٤٦، صص ٦٩-٨٨.

-نیازی، شهریار و آمنه جهانگیر اصفهانی (١٣٨٦ش)، «زن در شعر جمیل صدقی زهاوی»، نشریه زن در توسعه و سیاست، شماره ١٧، صص ١٥٥-١٧٢.

### منابع اینترنتی

-الجمال، أحمد (١٣٩٨ش)، «شاعرة فاطمة ناعوت: الإبداع العربي الراهن فرس جموح والحركة النقدية»، [www.aleftodar.info/article](http://www.aleftodar.info/article)

-زیدان، أسماء (١٣٩٨ش)، «٤٠ معلومة لا يعرفها الكثيرون عن فاطمة ناعوت»، [www.m.parlmany.com/news/4/59859](http://www.m.parlmany.com/news/4/59859)

-سلامة، ناظم (١٣٩٩ش)، «فاطمة ناعوت **Biography of**»، <http://www.pomhunter.com/>، 148/biography

-الکومی، وجدی (۱۳۹۸ش)، «مناقشة اسمی لیس صعباً لفاطمة ناعوت بحین»،

www.youm7.com/story/2009

## Sources and references

### Arabic books)

- The Holy Quran
- Al-Buhari, Rafeeqa (2001), The Woman and the Game of Letters in the Poetry of Nizar Qabbani, Dar Muhammad Ali Al-Hami.
- Taymour, Mahmoud (1970 AD), Literary Trends in the Last Hundred Years, Library of Arts.
- Al-Jayousi, Salma Al-Khadra (2007), Trends and Movements in Contemporary Arabic Poetry, Publications of the Emirates Writers and Writers Union.
- Hammoud, Muhammad Al-Abd (1996 AD), Modernity in Contemporary Arabic Poetry, Beirut, the International Book Company.
- Hidoush, Ahmed (2001), Women's Poetry and the Femininity of the Poem, Damascus: Arab Writers Union Press.
- Al-Zuhaili, Wahba (1418 BC), Islamic jurisprudence and its evidence, Volume X, Damascus: Dar Al-Fikr.
- Ezzedine, Youssef (1996 AD), Contemporary Iraqi Poets in the Twentieth Century, Baghdad: Asaad Press.
- Naoot, Fatima (2018 AD), Sharafati, the station of birds, Cairo, Rawafed.
- Majid, Mostafa (2005 AD), In Modern and Contemporary Arabic Literature, Cairo: Dar Al-Fikr for Publishing and Distribution.
- Yassin, Bu Ali (1998 AD), Women's Rights in Arabic Writing Since the Renaissance Era, 1st Edition, Damascus: Dar Al-Taba'a.

### Persian books)

- The Universal Declaration of Human Rights and the Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination Against Women.
- Shavaliéh, Jean (1379), Culture of symbols: myths, dreams, customs, etc., translated and researched by Soudabeh Fazali, Tehran: Jihun Publications.
- Johnson, Golden (1377), The Declaration of Human Rights and Its History, translated by Mohammad Jafar Poindeh, Ni Publications.
- Jaafari, Mohammad Taqi (2010), research on the international human rights system (from the perspective of Islam and the West) and their application to each other, Tehran: International Legal Services Office of the Islamic Republic of Iran.
- Tabatabai Motmani (1375), public freedoms and human rights, 4th edition, Tehran: University of Tehran.
- Katouzian, Nasser (1375), Family Civil Rights, Tehran: Bahman Barna.

-Mohaghegd Damad, Seyyed Mostafa (1368), legal jurisprudence analysis of the family, Tehran: Humanities Publishing Center.

-Women's Studies and Research Center (1382), Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination Against Women (collection of articles and talks), Qom.

-Mehrpour, Hossein (1374), Human Rights in International Documents, Tehran: Information Publishing.

#### theses)

-Heydari, Ali (2017), the image of a woman in the Diwan "Lis Esmi Saab", master's thesis, Lorestan University.

-Sharifi Jabali, Elham (2016), Women's rights in the family from the point of view of contemporary religious intellectuals of Iran in the light of international human rights, Master's thesis, Department of International Law, Shahid Beheshti University.

-Farhang Dost, Amir (2016), analysis of the structure, style and themes of Fatemeh Naot's poetry, master's thesis, Gilan University.

-Mozaheri, Kimia (2004), study of terrorism and violation of life, master's thesis, human rights field, Faculty of Law and Political Sciences, University of Tehran.

#### magazines)

-Bouchliqia, Raziqa (2017), "Above the Palm of a Woman" by the poet Fatima Naot, published by the Generation of Literary and Intellectual Studies, pp. 53-70.

-Tawfiq, Magdy Ahmed (2006), "The flower and the palm, a reading in the Diwan of Fatima Na'ot," Literature and Criticism Publishing, No. 244, pp. 66-75.

-Heydari, Ali and Vadigaran (1440), "Al-Wahdah fi Asmi Lis Sa'ab", Al-Kaliyyah al-Islamiyya al-Jama'a publication, No. 51, pp. 211-213.

-Zul Qadr, Malik; Mohammadzadeh, Vahid (2013), "Human rights and worldviews and relativism", Islamic human rights-studies journal, number 6, spring and summer, pp. 64-86.

-Rajabi, Farhad; Amir Farhang-Doost (1401), "The readability of Fatemeh Naot and Mohammad Reza Shafi'i Kodkani's poetry based on the consciousness of the material", Kaush Nameh-e-Malapa publication, No. 32, pp. 45-62.

-Rajabi, Farhad; Amir Farhang-Doost (2016), "Examining the Types of Affection in the Divan "Al-Oghad Laysmoun Al-Musiqqi" by Fatemeh Naout", Second International Conference on Social, Cultural and Research Studies, pp. 58-42.

-Rajabi, Farhad; Amir Farhang-Doost (2016), "Cinematic Functions in Fatemeh Naout's Poetry", Lasan Mobein Quarterly, No. 29, pp. 81-104.

-Mantaziri, Hadi (2016), "A look at women's rights from the perspective of international law; "A case study of the Convention on the Elimination of Discrimination against Women", Study Quarterly Journal of the Protection of Women's Rights, No. 9, pp. 120-97.

-Mahdiyan Targbeh, Ruhollah; Heydari, Ali (2019), "Reflection of the loneliness of a woman in a patriarchal society in the poetry of Simin Behbahani and Fatemeh Naout", Zan Vafarhang magazine, No. 46, pp. 69-88.

-Niazi, Shahriar; Amina Jahangir Esfahani (2006), "Women in the poetry of Jamil Sedghi Zahavi", "Women in Development and Politics" magazine, No. 17, pp. 155-172

**Internet resources**

- Al-Jammal, Ahmed (1398 AM), “Poet Fatima Naoot: The Current Arab Creativity is a Wild Horse and the Critical Movement,” [www.aleftodar.info/article](http://www.aleftodar.info/article)
- Zidan, Asmaa (1398 u), “40 facts that many people do not know about Fatima Na’ot,” [www.m.parlmany.com/news/4/59859](http://www.m.parlmany.com/news/4/59859)
- Salameh, Nazim (1399 AM), “Biograghy of Fatima Na’ot”, <http://www.pomhunter.com/-148/biograghy>
- Al-Koumi, Wajdi (1398 Sh), “Discussing My Name Is Not Difficuit For Fatimah Na’ot Bahnin”, [www.youm7.com/story/2009](http://www.youm7.com/story/2009).

## مكانة حقوق المرأة في قصائد فاطمة ناعوت

(ديوان: «شرفتي محطّ العصافير نموذجاً»)

نوع المقالة: أصيلة

آذر صمدى طاقانكي<sup>١</sup>، ماجد نجاريان<sup>٢</sup>، سهيلا پرستگاري<sup>٣</sup>، رضا سليمان زاده نجفي<sup>٤</sup>

١. طالبة دكتوراه في اللغة العربية وآدابها، جامعة الحرّ الإسلامية، كلية الآداب، إيران، فلاورجان.
٢. أستاذ مساعد في قسم اللغة العربية وآدابها، جامعة الحرّ الإسلامية، كلية الآداب، إيران، فلاورجان.
٣. أستاذ مساعد في قسم اللغة العربية وآدابها، جامعة الحرّ الإسلامية، كلية الآداب، إيران، فلاورجان.
٤. أستاذ مشارك في قسم اللغة العربية وآدابها، جامعة أصفهان، كلية اللغات الأجنبية، إيران، أصفهان.

## الملخص

تُعَدُّ حقوقُ المرأة قضية مهمة في عالمنا المعاصر، حيث ينصّ إعلان حقوق الإنسان على أنّ جميع البشر، بغضِّ النظر عن الجنس، لهم نفس الحقوق الفردية والاجتماعية، ولا يمكن لأحدٍ أن يجرم غيره من هذا الحقّ. وفقاً للإعلان العالمي لحقوق الإنسان واتفاقية حقوق المرأة، لم تحصل المرأة بعد على حقوقها الكاملة في المجتمعات العربية. إنّ الكتاب والشعراء العرب انطلاقاً من وعيهم التام بطغيان التقاليد الباطلة وتسلب الروح الذكورية والاستخفاف بحقوق المرأة كتبوا عن هذه القضية في أعمالهم، ودافعوا عن حقوق المرأة ودعوا إلى ضرورة نيل المرأة لحقوقها الكاملة. من بين هؤلاء الشعراء، كان للشاعرة المصرية فاطمة ناعوت دور مهم وبارز فقد تناولت موضوع المرأة بلغة الاحتجاج والرمزية في معظم قصائدها وخاصة في ديوان «شرفتي محطّ العصافير». تمّ تناول هذا البحث وفق المنهج الوصفي التحليلي وذلك بهدف رصد قصائد الشاعرة المتعلقة بحقوق المرأة ومن ثم تحليل تلك التماذج وتقسيمها وفقاً لأهمّ مسائل حقوق المرأة. وقد توصلَ البحثُ إلى أنّ الشاعرة تركّز غالباً على الكرامة الإنسانية وإحساس الأمن عند المرأة ومسألة الزواج، وهي ترمز عادةً إلى المرأة برموز معيّنة مثل: "الزهرة"، "الفراشة" و"الوردة".

**الكلمات الرئيسية:** الشعر العربي، فاطمة ناعوت، شرفتي محطّ العصافير، حقوق المرأة، مكونات حقوق المرأة.